



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۹/۲۱

غلام سخی زاهدیان

## پاکستان و طالب از حذف فقه جعفری چه می خواهند

طالب ها در نشست امروز خود (۲۰۲۰/۰۹/۲۱) یکی شرایط اساسی خود را مبنی بر آغاز مذاکرات، اصول فقه حنفی - مذهب امام اعظم رح - را به حیث محک مسایل مورد موافقه پیشنهاد نمودند. ما در دین اسلام چهار مذهب رسمی می شناسیم؛ ۱ - مذهب حنفی. ۲ - مذهب مالکی. ۳ - مذهب شافعی. و ۴ - مذهب جعفری یعنی مذهب اهل تشیع ما می باشد.

اکثریت مسلمانان افغانستان - و نه همه آنان - به مذهب حنفی معتقد اند و مناسک مذهبی خود را مطابق به دستاير همین مذهب ادا می کنند، پیروان مذهب حنفی اساساً به اهل تسنن یا مذهب سنی تعلق دارند.

بعداً مذهب جعفری در کشور ما میان وطنداران اهل تشیع ما به حیث مذهب شان مورد اعتقاد است و مراسم ادای مناسک شان برطبق همین مذهب اجرا می شود.

اگر بر معتقدان یکی از این دو مذهب، احکام و دستاير مذهبی که به آن باورمند نیستند، اعمال گردد، چه رخ میدهد...؟؟

واضح است به نابرابری، تفوق مذهبی و استبداد فرهنگی و مذهبی منجر می شود و در نتیجه اختلاف و تصادمات گروه های پیرو این دو مذهب را مساعد خواهد ساخت.

به همین جهت تسوید و تصویب کنندگان قانون اساسی سال ۱۳۸۲ ه ش، افغانستان طی مواد ۱۳۰ و ۱۳۱ آن قانون هردو مذهب حنفی و مذهب جعفری را به رسمیت شناخته به محاکم صلاحیت داده است تا در احوال شخصی هر مذهب، دعوی را متکی به احکام همان مذهب حل و فصل نمایند. یعنی مذهب حنفی و مذهب جعفری دو مذهب رسمی و قانونی مردم افغانستان است.

قبل از درج و انفاذ رسمی مذهب جعفری در قانون اساسی افغانستان، مذهب جعفری بدون کدام ایجاد مشکل و بدون کدام ممانعتی در میان مردم شریف شیعه مذهب ما تعمیم و اجرا می شده است.

سوال اینجاست که طالب های کرام از یکه ساختن مذهب در افغانستان چه می خواهند، چه منفعتی بدست می آورند آیا شیعه مذهب ما را به مذهب سنی در می آورند، آیا حضور مذهب شیعه کدام عیب و خطر سیاسی برای آنان دارد...؟

حقیقت این است که پاکستان یا ولی نعمت طالب ها، قبل از آغاز رسمی مذاکرات میان طرف دولت جمهور اسلامی افغانستان و تحریک طالبان، می خواهند شفاق، بی اتفاقی و برادرکشی را میان افغان ها دامن بزنند، تا وطن خسته ما هر چه بیشتر در ضعف و ناتوانی بغلند، پاکستان که سال هاست میدان جنگ گروه های مختلف مذهبی ( اعم از مسیحی، هندو، مسلمانان سنی و شیعه و شاخه های دیگر ادیان) بوده است، می خواهد از ایجاد این مصیبت اختلافات مذهبی به نفع تأمین تسلط مزدوران خود یعنی طالبان استفاده ببرند، ارائه چنین اصلی از سوی طالبان چهره ای غیر ملی از آنها را معرفی میکند.

این اصل پیشنهادی طالب ها مشابه قاعده "شرط ناممکن" است، زیرا از یک سو فقه جعفری مذهب مقبول چند میلیون افغان هموطن ما می باشد و نیز پذیرفتن فقه جعفری از یک نگاه امکانی برای تحقق حقوق یک اقلیت مذهبی است که هدف برابری حقوق شهروندان را تأمین می کند و این حقوق در مواد قانون اساسی افغانستان و رعایت آن تعهد شده است.

از همه اساسی تر این که نقض و حذف و زیر پا کردن احکام قانون اساسی حتی در ید صلاحیت رئیس جمهور نیز نیست، تا چه رسد به اینکه هیأت مذاکره کننده اختیار و صلاحیت نقض و یا حذف آنرا داشته باشد.

باید هیأت دولت جمهوری اسلامی افغانستان متوجه جدی باشد، که به اندازه یک دهم یک ملی متر، از اصول و مندرجات قانون اساسی افغانستان به عقب نه رود و نه چنین حق و صلاحیتی را خواهند داشت که به چنین توقعات استعماری هیأت طالب تن در دهد.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

چه جالب است که هیأت طالبان چنین عریان و لُج خواسته های مغرضانه و دام های استعماری را برای جانب دولت مطرح می نماید؛ پاکستان و طالب باید بدانند و میدانند که مردم افغانستان در برابر هجوم مستعمره ساختن کشور، یک پارچه و متحد استاده اند و این چنین پیشنهادات طفلانه ولی محیلانه پاکستانی را نمی پذیرند، مطرح کردن چنین توقعات شرم آور چهره مستخدمین بیگانگان را بیشتر عریان خواهد ساخت.

پاکستان می خواهد با نشان دادن راه های غلط و بر ضد منافع ملی افغانستان و وحدت ملی این کشور، طالبان را هر چه بیشتر در میان مردم افغانستان منفور سازد تا نه شود که روزی طالبان وطنخواه و افغان، از پاکستان روگردان گردند.

اما چرا طالب چنین پیشنهادی را می عرضه میکند؛ به گفته صاحب نظران طالب دست خالی و بدون کدام بدیل و طرح مشخص در مذاکرات حصه گرفته است، به همین سبب دست به عرضه چنین خواسته های غیر عقلانی میزند. همچنان طالبان به دلایل زیر از آتش بس فوری امتناع میکنند:

- زیرا طالب به جز جنگ و ادامه خون ریزی و کشتار انسان های بیگناه هموطن ما کدام نقشه راه، پلان عمرانی و کدام پروژه دیگر ندارد، ادامه جنگ و خشونت یگانه روش طالبی است که به آن ادامه میدهد

- طالبان تصور میکنند که در میدان جنگ با کشتار، خونریزی، تخریب و دهشت و وحشت طرف دولت افغانستان را مجبور به تسلیم شدن به خواسته های خونریز و اسارت گر مجبور خواهد ساخت، به همین خاطر در هر گوشه و کنار وطن بر مردمان بی دفاع ما حملات تروریستی و قتل و قتل را به راه انداخته است. اما دولت و مردم افغانستان در مورد قبول نکردن بندگی به بیگانگان و متحدان داخلی آن، به طور مستحکم با هم متحد و یک پارچه اند و طالب و پاکستان قادر نیست که بر کشور ما مسلط گردد.

- طالبان یک پارچه و متحد نیستند؛ بعضی از شاخه های آنها با این صلح و مذاکرات و موافقه با امریکا مخالف بوده اند، بناءً از جنگ دست نمی کشند، به همین لحاظ است که شورای کویته و شورای پشاور مربوط به طالبان هراس دارند که اگر دستور آتش بس بدهند، صفوف شان این دستور را نه پذیرند و ابروی این رهبران ساختگی طالبان به دلیل بی رابطه بودن شان با صفوف آنها بریزد و در مذاکرات و موافقات اعتبار و وقار شان به خاک یک سان شود.

- دلیل دیگر امتناع از آتش بس از سوی طالبان این است که تعداد زیادی از طالبان از جنگ و خونریزی خسته و بیزار اند و می خواهند که جنگ به هر دلیلی و شاید به دلیل آتش بس متوقف گردد. اما رهبران طالبان هراس دارند که وقتی این جنگجویان خسته، دست از جنگ گرفتند، اگر ضرورت آغاز مجدد جنگ لازم آید، هرگز دوباره دست به تفنگ نه خواهند برد.

لذا مردم ستمدیده و شریف وطن باید بیدار و هوشیار باشند که دشمن مکار، سعی به پارچه کردن و نامتفق سازی آنان دارد، مخصوصاً هموطنان اهل تشیع ما بدانند که برادران و خواهران اهل تسنن آنان نه خواهند گذاشت، آزادی و استقلالیت مذهبی شان لطمه ببیند.

مردم شریف کشور باید از اتحاد و همبستگی خویش جداً حفاظت و حمایت نمایند، در حال حاضر همین اتحاد مردم تقریباً یگانه عامل حفظ وطن و وسیله استقلال ما می باشد، اجداد شجاع ما برای حفظ وقار وطن هر قربانی را متحمل شدند، ما باید میراث اجداد مان را عمل و محافظت کنیم.

انشاء الله